

ویژگیها و بایسته‌ها برای مراجع قضایی

(بررسی سه اصل صلاحیت، استقلال و بیطرفی مراجع قضایی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران)

محمد علی بهمنی قاجار - دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل و وکیل پایه یک دادگستری

الف - ویژگیهای لازم برای مراجع قضایی

مرجع قضایی هنگامی برای ایجاد امنیت قضایی و اجرای عدالت شایستگی دارد که از استقلال، بیطرفی و صلاحیت قانونی برخوردار باشد. چنین مرجع قضایی می‌تواند برای دادخواهی شهروندان قابل اطمینان باشد و هرگاه ضرورت ایجاد کند به سلب آزادی از افراد نیز بپردازد. بر این پایه، دادگاهی که از نظر استقلال، بیطرفی یا صلاحیت قانونی کاستیهایی دارد، نمی‌تواند مرجعی مطمئن برای سلب آزادی از افراد باشد. در زیر هر یک از ویژگیهای یادشده، جداگانه بررسی می‌شود.

۱- صلاحیت

بند یک از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، برحق هر کس به دادخواهی در دادگاهی صالح، مستقل و بیطرف که بر پایه قانون تشکیل شده باشد، تأکید می‌کند.^۱ بند دو از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بر حق هر کس به دسترسی به دادگاهی که به موجب قانون برپا شده باشد، تصریح می‌کند.^۲ با توجه به این اسناد بین‌المللی، دادگاهی صالح است که بر پایه قانون تشکیل شده و توان تصمیم‌گیری در مراجعات اعم از مدنی و کیفری داشته باشد.^۳

بر مبنای یکی از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر، تشکیل دادگاه صالح باید به موجب قانون مصوب مجالس قانونگذاری و سازماندهی و تعیین صلاحیت آن نیز براساس قانون باشد.^۴ اگر این رأی را به تصریح

اسناد بین‌المللی حقوق بشر درباره ضرورت قانونی بودن دادگاه و نیز تأکید قانون اساسی برخی کشورها همچون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۱۵۹)^۵ بر لزوم مبنای قانونی تشکیل دادگاهها بیفزاییم، دیگر تردیدی در این زمینه که تأسیس دادگاهها و سازماندهی آنها باید بر پایه قانون مصوب مجالس قانونگذاری باشد، وجود ندارد و تنها چنین دادگاهی از صلاحیت قانونی لازم برخوردارند.

۲- استقلال

استقلال نیز از ویژگیهای لازم برای یک مرجع قضایی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. البته در این اسناد تعریف مشخص و روشنی از استقلال قضایی به دست داده نشده است؛ اما از دید حقوقدانان، دادگاهی مستقل به شمار می‌آید که از قوه مجریه و اصحاب دعوا استقلال داشته و قاضیان آن، بی‌هرگونه فشار بیرونی و دور از هرگونه تهدید و در محیطی که امنیت شغلی آنان تأمین شده باشد، تنها با یاری گرفتن از دانش حقوقی خود و بر مبنای وجدان به صدور رأی مبادرت ورزند.^۶

در راستای تأکید هرچه بیشتر بر اصل استقلال قضایی، هفتمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از بزهکاری و مجازات بزهکاران، با تدوین سند «اصول سیاسی در زمینه استقلال قوه قضاییه» اجزاء و مصادیق استقلال قضایی را به روشنی و با گستردگی مشخص ساخته و اجرای آنها را به دولت‌ها توصیه کرده است.^۷ در زیر، با مدد گرفتن از این اصول، می‌کوشیم

● مرجع قضایی هنگامی برای ایجاد امنیت قضایی و اجرای عدالت شایستگی دارد که از استقلال، بیطرفی و صلاحیت قانونی برخوردار باشد. چنین مرجع قضایی می‌تواند برای دادخواهی شهروندان قابل اطمینان باشد و هرگاه ضرورت ایجاد کند به سلب آزادی از افراد نیز بپردازد. بر این پایه، دادگاهی که از نظر استقلال، بیطرفی یا صلاحیت قانونی کاستیهایی دارد، نمی‌تواند مرجعی مطمئن برای سلب آزادی از افراد باشد.

اصل هشتم: آزادی بیان قاضیان

قضات با رعایت حفظ اعتبار قضایی‌شان و پایبندی به بیطرفی، همانند دیگر شهروندان از حق آزادی بیان برخوردارند.

اصل نهم: حق آزادی اجتماعات

قضات حق ایجاد سازمانهای صنفی و برگزاری اجتماعات در جهت پاسداری از استقلال قضایی‌شان را دارند.

اصل دهم: گزینش قضات، بی‌تبعیض و برپایه صلاحیتهای شخصی و علمی

قضات براساس صلاحیتهای علمی و از میان افراد موجه برگزیده می‌شوند تا از هرگونه وابستگی که استقلال آنان را تهدید کند، رهایی یابند. در گزینش قاضی، هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، مذهبی، عقیدتی و... ممنوع است.^۸ گفتنی است که کمیته حقوق بشر نیز به چگونگی گزینش قضات توجه ویژه داشته و در این راستا حتا برای نمونه گزینش قضات با رأی‌گیری عمومی در ارمنستان را نیز با استقلال قضایی ناسازگار دانسته است.^۹

اصل یازدهم: وضع شغلی بر مبنای قانون

وضع شغلی قضات از جمله دوره تصدی‌شان در قضاوت، چندوچون خدمت و حقوق و سن بازنشستگی‌شان برپایه قانون تعیین می‌شود.^{۱۰} کمیته حقوق بشر نیز بر این نکته که شیوه گزینش و انتقال قضات از عوامل مؤثر در استقلال آنان به‌شمار می‌آید، تأکید کرده است.^{۱۱}

تصویری هرچه گویاتر از مفهوم استقلال قضایی به دست دهیم. در کنار بیان اصول یادشده، به تأکیدی که نهادهای نظارتی حقوق بشر بر اجرای اصول اساسی استقلال قضایی داشته‌اند نیز اشاره خواهد شد.

اصل اول: تضمین قانونی استقلال

در راستای تأمین استقلال قوه قضاییه، لازم است اصل عدم وابستگی نهادهای قضایی در قانون اساسی و قوانین عادی دولتها مورد تأکید قرار گیرد و نهادهای دولتی ملزم به رعایت آن شوند.

اصل دوم: تصمیم‌گیری مستقل

قوه قضاییه باید بر پایه قانون و دور از هرگونه دخالت از سوی هر مرجع، به تصمیم‌گیری قضایی بپردازد.

اصل سوم: اختیار تام در رسیدگی به موارد طرح شده نزد دادگاه

هر دادگاه باید تنها مرجع صالح در احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به پرونده‌هایی که نزد آن طرح شده است، باشد.

اصل چهارم: دخالت نشدن در احکام دادگاهها

هیچ مرجعی نباید حق دخالت غیر اصولی در احکام دادگاهها داشته باشد. این موضوع مانعی برای تجدید نظر قضایی در آرای دادگاهها نیست.

اصل پنجم: حق محاکمه همه افراد

دادگاهها حق محاکمه هر کس را بر پایه قانون دارند.

اصل ششم: اطمینان از اجرای عدالت

قوه قضاییه در دادرسیهای قضایی باید به‌گونه‌ای عمل کند که از اجرای عدالت اطمینان حاصل شود.

اصل هفتم: برخورداری از منابع کافی

در راستای استقلال قوه قضاییه، لازم است منابع کافی به این قوه اختصاص داده شود تا امکان اجرای عدالت با استقلال کامل را دارا باشد.

اصل دوازدهم: قضاوت تا بازنشستگی

قاضی تا هنگام بازنشستگی باید به قضاوت مشغول باشد.

اصل سیزدهم: ارتقای شغلی قضات بر پایه صلاحیت

ارتقای قاضی باید با توجه به توانایی، تجربه و صلاحیتش صورت گیرد.

اصل چهاردهم: ارجاع پرونده‌ها در چارچوب یک حوزه قضایی، امری داخلی به‌شمار می‌آید.

اصل پانزدهم: قضات ملزم به حفظ اسرار حرفه‌ای قضاوتشان هستند و اجبار ایشان به شهادت در اینگونه موارد ممنوع است.

اصل شانزدهم: قاضیان در قبال خسارتهای مالی ناشی از کارکرد نادرست یا سهل‌انگاری‌شان در اجرای وظایف قضایی خود، مصونیت دارند.

اصل هفدهم: هرگونه اتهام یا شکایت وارد بر قضات در مورد صلاحیت قضایی یا حرفه‌ای‌شان مورد رسیدگی عادلانه، سریع، حضوری و محرمانه قرار می‌گیرد.

اصل هیجدهم: برکناری یا تعلیق انتظامی قضات تنها در صورت وجود دلایل کافی امکانپذیر است.

اصل نوزدهم: در همه دادرسیهای انتظامی قضات، باید موازین حقوق بشر رعایت گردد.

اصل بیستم: تصمیمات در پیوند با برکناری یا تعلیق قضات که از دادرسیهای انتظامی ناشی می‌شود، باید مورد رسیدگی مستقل قرار گیرد.^{۱۲}

● از دید حقوقدانان، دادگاهی مستقل به‌شمار می‌آید که از قوه مجریه و اصحاب دعوا استقلال داشته و قاضیان آن، بی‌هرگونه فشار بیرونی و دور از هرگونه تهدید و در محیطی که امنیت شغلی آنان تأمین شده باشد، تنها با یاری گرفتن از دانش حقوقی خود و بر مبنای وجدان به صدور رأی مبادرت ورزند.

بی‌گمان اگر موارد یاد شده رعایت شود، قضات از هرگونه وابستگی دور خواهند ماند و با بهره‌مندی آنان از استقلال لازم و تأمین امنیت شغلی و مصونیت شخصیشان، زمینه لازم برای اجرای عدالت و برقراری امنیت قضایی به‌دست ایشان فراهم می‌آید.

۳- بیطرفی

بیطرفی نیز از ویژگیهای لازم برای دادگاه است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در کنار صلاحیت و استقلال مورد تأکید قرار گرفته است. بیطرفی مفهومی جدا از استقلال ولی یکسره در پیوند با آن است، تا آنجا که دیوان اروپایی حقوق بشر بر آن است که دو مفهوم استقلال و بیطرفی لازم نیست جداگانه بررسی شود.^{۱۳} بیطرفی به معنای جانبدار نبودن دادگاه در قضاوت است و روشن است که برای رسیدن به این هدف، استقلال قضایی پایه لازم به‌شمار می‌آید. برای بررسی بیطرفی قضایی، دو شاخص ذهنی و عینی به‌کار گرفته می‌شود:

در شاخص ذهنی، باید به وجدان و ذهنیت قاضی توجه کرد و در این راستا اگر قاضی رفتاری آشکارا جانبدارانه در پیش گیرد، اصل بیطرفی خدشه‌دار شده است. نمونه روشن این‌گونه نقض بیطرفی، اظهارات نژادپرستانه قاضی یا یکی از اعضای دادگاه یا هیأت منصفه است. چنین اظهاراتی از دیدگاه ذهنی نقض آشکار بیطرفی قضایی است.^{۱۴}

در شاخص عینی، ساختار قضایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدا نشدن نهاد تعقیب از نهاد رسیدگی، یا اظهارنظر قاضی رسیدگی‌کننده به دعوی در مرحله پیش از رسیدگی، از مصادیق آشکار نقض بیطرفی قضایی از جنبه عینی آنست.^{۱۵} در راستای اعمال هرچه بیشتر اصل بیطرفی در ساختار قضایی، در چند دهه اخیر، اصلی به نام تساوی سلاحها پدیدار گردیده که بر پایه آن، دادستان و متهم باید از حقوقی برابر در مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی برخوردار باشند. براین اساس، دادستان که در ماهیت، مقامی بیطرف نیست و طرف دعوی به‌شمار می‌رود، نمی‌تواند دارای اختیارات قضایی همچون صدور یا تأیید قرارهای بازداشت یا تأمین متهم باشد و افزون بر آن باید از هرگونه امتیاز نسبت به متهم بی‌بهره باشد.^{۱۶}

ب - مراجع قضایی ایران

دادگاههای ایران را می‌توان به دو دسته دادگاههای عمومی و اختصاصی تقسیم کرد.^{۱۷} از آرای این دادگاهها در مواردی که بر پایه قانون قابل تجدیدنظر است، می‌توان در دادگاههای تجدیدنظر که در مرکز هر استان وجود دارد، تقاضای تجدیدنظر کرد. آرای دادگاههای تجدیدنظر قطعی است، ولی از این آراء نیز در صورت وجود خلاف بین شرع یا قانون می‌توان در شعب تشخیص دیوان عالی کشور درخواست رسیدگی مجدد کرد. همچنین فرجام‌خواهی نیز در شعب دیوان عالی کشور نسبت به آرای قطعی به عمل می‌آید. افزون بر مواردی که یاد شد، به جرایمی که مجازات آنها قصاص عضو، قصاص نفس، اعدام، رجم، صلب یا حبس ابد باشد، از ابتدا در دادگاه تجدیدنظر استان رسیدگی می‌شود و آرای این دادگاه که در هنگام رسیدگی به موارد یاد شده «دادگاه کیفری استان» نام دارد نیز در دیوان عالی کشور قابل تجدیدنظر است.

دادسرا نیز بخشی از ساختار قضایی ایران است که کشف جرم، پیگرد متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی، حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و رسیدگی به امور حسبه را بر عهده دارد. ریاست دادسرا با دادستان است و بازپرس که مرجع تحقیق است، زیر نظارت او قرار دارد.

دادگاههای اختصاصی ایران، دادگاههای انقلاب و دادگاههای نظامی هستند. رسیدگی به جرایم خاص امنیتی و نیز جرایم مربوط به مواد مخدر با دادگاههای انقلاب و رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای نیروهای مسلح با دادگاههای نظامی است.^{۱۸}

پس توضیحات کوتاهی که درباره ساختار قضایی ایران داده شد، به صلاحیت، استقلال و بیطرفی مراجع قضایی کشورمان بر پایه موازین بین‌المللی می‌پردازیم.

۱- مراجع قضایی ایران و صلاحیت

بر پایه اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرجع رسمی دادخواهیها و شکایتها دادگستری است و تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط

• قضات براساس صلاحیتهای علمی و از میان افراد موجه برگزیده می‌شوند تا از هرگونه وابستگی که استقلال آنان را تهدید کند، رهایی یابند. در گزینش قاضی، هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، مذهبی، عقیدتی و... ممنوع است. گفتنی است که کمیته حقوق بشر نیز به چگونگی گزینش قضات توجه ویژه داشته و در این راستا حتماً برای نمونه گزینش قضات با رأی‌گیری عمومی در ارمنستان را نیز با استقلال قضایی ناسازگار دانسته است.

به حکم قانون است.^{۱۹} از سوی دیگر، بر پایه اصل ۵۸ قانون اساسی، اعمال قوه مقننه تنها از طریق مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد.^{۲۰} با توجه به این موارد، دادگاه تنها باید بر مبنای قانون مصوب مجلس تشکیل و صلاحیتهای آن با همین قانون مشخص گردد. از این رو، می‌توان گفت که دیدگاه حقوق اساسی ایران در مورد دادگاه صالح، یکسره با موازین بین‌المللی در زمینه صلاحیت دادگاهها هماهنگی دارد اما در قوانین عادی، چنین هماهنگی وجود ندارد؛ گرچه دادگاههای جزایی و حقوقی و نیز دادگاههای انقلاب و نظامی براساس قانون تشکیل شده‌اند.

۲- مراجع قضایی ایران و استقلال

بر پایه اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. بدین‌سان، اصل استقلال قضایی در ایران مورد پذیرش قانونی قرار گرفته است.^{۲۱} از سوی دیگر، برخی از موازین استقلال قضایی که در سند «اصول اساسی در زمینه استقلال قوه قضاییه» بر آنها تأکید شده نیز در اصول قانون اساسی ایران مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در اصل ۱۵۷ قانون اساسی بر این نکته که استخدام قضات و عزل و نصب آنان و امور اداریشان باید بر مبنای قانون باشد، تأکید شده و در اصل ۱۶۴ نیز بر اینکه قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آنست بی‌محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است بطور موقت یا دائم برکنار کرد، تصریح شده است.^{۲۲} موارد یادشده با اصول دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم و نیز اصول هفدهم و هیجدهم سند «اصول اساسی در زمینه استقلال قوه قضاییه» همخوانیهایی دارد. اما بخشی از

دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رؤسای شعب دادگاه عالی و تجدیدنظر انتظامی، دادستان انتظامی قضات و رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح نسبت به قضات این سازمان مورد تردید قرار گیرد؛ و پس از تردید، موضوع به کمیسیونی ارجاع می‌شود و سپس دادگاه عالی صلاحیت پس از بررسی گزارش کمیسیون و شنیدن مدافعات و اظهارات قاضی که در صلاحیتش تردید شده است، در صورت احراز عدم صلاحیت، بسته به مورد، وی را به یکی از مجازاتهای زیر محکوم می‌کند:

۱- تبدیل به وضع اداری و در مورد قضات نظامی، لغو ابلاغ قضایی و اعاده به یگان خدمتی

۲- بازخریدی

۳- بازنشستگی در صورت دارا بودن شرایط قانونی

۴- انفصال دائم از مشاغل قضایی

۵- انفصال دائم از خدمات دولتی.

بدین سان، با چنین سازوکاری، این امکان وجود دارد که قاضی بی‌آنکه مقررهای مشخص را نقض کرده باشد، و تنها بر مبنای نامفهوم تردید در صلاحیت شرعی یا قانونی، حتی از قضاوت منفصل گردد. روشن است که چنین مقرراتی با اصول ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ سند «اصول اساسی در زمینه استقلال قوه قضاییه» سخت ناسازگار است و امنیت شغلی قضات و در نتیجه استقلال قاضی را زیر سؤال می‌برد.

با توجه به آنچه گفته شد، استقلال ساختار قضایی ایران در سنجش با موازین بین‌المللی حقوق بشر، کاستیهای عمده‌ای دارد.

۳- مراجع قضایی ایران و بیطرفی

رعایت نشدن «اصل تساوی سلاحها» در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسی کیفری ایران که حتی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با وجود اصلاحات عمده همچنان تا اندازه‌ای پابرجاست، مهمترین ایراد به اصل بیطرفی در نظام حقوقی ایران است. اقتدار بی‌مانند دادستان در زمینه تعقیب و تحقیق که در اموری همچون نظارت بر بازپرس جنحه و حق

اصل ۱۶۴ قانون اساسی مشعر به اینکه تغییر وضع شغلی قاضی از جمله انفصال وی بدون ثبوت جرم یا تخلفی از سوی وی و بنا به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور امکانپذیر است، امنیت شغلی قضات را متزلزل می‌کند.^{۳۳} پیش‌بینی به عمل آمده در اصل ۱۶۴ قانون اساسی در مورد امکان تغییر وضع شغلی قاضی براساس «اقتضای مصلحت جامعه»، امکان انفصال قضات بدون بروز هرگونه تخلف را فراهم ساخته و این موضوع با اصول ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ مندرج در سند «اصول اساسی در زمینه استقلال قوه قضاییه» که برکناری قضات را مستلزم وجود دلایل کافی و برگزاری یک دادرسی عادلانه می‌داند، در تضاد آشکار است.

چالشهای مربوط به استقلال قوه قضاییه بویژه در زمینه وضع شغلی قضات و نیز استخدام آنان، در قوانین عادی برجسته‌تر شده است. درحالی‌که اصل ۱۶۴ قانون اساسی با پیش‌بینی برکناری یا تغییر وضع شغلی قضات بر مبنای نامشخص «اقتضای مصلحت جامعه» امنیت شغلی قضات را متزلزل ساخته، «قانون رسیدگی به صلاحیت قضات» مصوب ۱۳۷۶، امنیت شغلی قضات را در ساختار قضایی ایران به سطح بسیار پایینی کاهش داده بود. قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۹۰/۷/۱۷ نیز دارای کاستیهایی در زمینه استقلال قضایی است. براساس مواد ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ این قانون، امکان انفصال ابد، موقت، بازنشستگی و یا بازخریدی اجباری قاضی بر پایه معیاری مبهم با عنوان تردید در صلاحیت قاضی وجود دارد و صلاحیت قاضی می‌تواند از سوی رئیس قوه قضاییه، رییس

• بیطرفی از ویژگیهای لازم برای دادگاه است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در کنار صلاحیت و استقلال مورد تأکید قرار گرفته است. بیطرفی مفهومی جدا از استقلال ولی یکسره در پیوند با آن است، تا آنجا که دیوان اروپایی حقوق بشر بر آن است که دو مفهوم استقلال و بیطرفی لازم نیست جداگانه بررسی شود. بیطرفی به معنای جانبدار نبودن دادگاه در قضاوت است و روشن است که برای رسیدن به این هدف، استقلال قضایی پایه لازم به‌شمار می‌آید.

۹. فاطمه محمدی مغالجویی، اصول حاکم بر دادرسی منصفانه (مقررات داخلی و بین‌المللی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۸۲، ص ۸۹

۱۰. دفتر مطالعات و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور، پیشین، ص ۶۳

۱۱. محمدی مغالجویی، پیشین، ص ۸۹

۱۲. همان، صص ۶۴-۶۲

۱۳. علی قربانی، بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و دادرسی منصفانه، پایان‌نامه دوره دکتری علوم جزایی و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۸۴، ص ۲۰۴

۱۴. آشوری، پیشین، ص ۳۳۳

۱۵. همان

۱۶. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چ ۱۱، پاییز ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۱۶۴ و ۱۱۰

۱۷. محمدی مغالجویی، پیشین، صص ۱۰۵ و ۱۰۴

۱۸. همان، ص ۳۸ و نیز، حجتی اشرفی، پیشین، ص ۲۸

۱۹. همان، ص ۲۸

۲۰. همان، ص ۲۰

۲۱. برای بررسی بیشتر در مورد مفهوم استقلال قضایی می‌توان به مقاله «بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نوشته محمد هاشمی مراجعه کرد. ن.ک:

آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، صص ۱۸۵-۱۸۴

۲۲. همان

۲۳. محمدی مغالجویی، پیشین، ص ۹۸

بررسی قراردادهای بازداشت جلوه پیدا می‌کند، نمادهایی از رعایت نشدن اصل تساوی سلاحها در آیین دادرسی کیفری ایران و در نتیجه نقض اصل بیطرفی است.

یادداشتها

۱. مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده‌ای از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۲

۲. اردشیر امیر ارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر «اسناد منطقه‌ای»، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵، ج ۲، قسمت اول اسناد منطقه‌ای، ص ۱۵

۳. محمد آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات. انصاف و عدالت، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲، ص ۳۳۵

4. Richard Clayton, Tomlinson Hugh, **The Law of Human Rights**, Oxford, Oxford University, 2000, Vol. 1. p.659.

۵. غلامرضا حجتی اشرفی، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۵، ص ۲۸

۶. برای تعریفهای ارائه شده از استقلال قضایی برای نمونه، ن.ک:

آشوری، پیشین، صص ۳۳۳ و ۳۳۲. همچنین، ن.ک:

محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری «اندیشه‌ها»، قم، اشراق، ۱۳۷۹، ج ۴، صص ۳۰۰ و ۲۹۹

۷. دفتر مطالعات و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور، هفتمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از ارتکاب جرم و مجازات مجرمین «اصول اساسی در زمینه استقلال قوه قضاییه» (ایتالیا، میلان، ۲۶ اوت الی ۶ سپتامبر ۱۹۸۵)، ترجمه محمدباقر ملکی، تهران، قوه قضاییه - دادستانی کل کشور، ۱۳۷۰، صص ۶۱-۵۹

۸. همان، ص ۶۳